

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

آندری چیبیسوف (ANDREY CHIBISOV)

برگردان از: ا.م. شیری

۰۶ می ۲۰۱۸

تعالیم مارکس - ضرورت امروز

پنج ماه مه سال جاری دوصت سال از تولد کارل مارکس، اقتصاددان، جامعه‌شناس، فیلسوف، متفکر انقلابی، روزنامه‌نگار سیاسی و فعال اجتماعی سپری می‌شود. من گمان نمی‌کنم این تاریخ در روسیه چندان با شکوه آنطور، مانند نمونه، تأسیس مرکز یلتسین یا جشن روز قانون اساسی برگزار شود. اما برآستی تعالیم این شخصیت تأثیر عظیمی بر تاریخ جهان و به ویژه، بر تاریخ کشور ما گذاشته است. مارکسیزم، نه فقط به معنای ایدئولوژی یا نگرش خاص به جهان، بلکه یک نظریه علمی مستدل است، که قانونمندی توسعه جامعه و ضرورت گذار به شکل نوین مناسبات اجتماعی - کمونیسم را توضیح می‌دهد. این، یک نظام نگرشی جامع به فرایندهای اجتماعی می‌باشد.

سعی نمی‌کنم با کاربرد واژه‌های علمی موجبات خستگی خوانندگان را فراهم آورم، بلکه تلاش می‌کنم ضرورت مفاد اصلی نظریه مارکس را در انطباق با ساختار حاکمیت امروزی روسیه مورد تجزیه و تحلیل قرار دهم. اما چرا من در ابتداء تصریح نمودم که در این تاریخ نه فقط هیچ مراسمی برگزار نخواهد گردید، حتی هیچ یادی هم از آن نخواهد شد؟ آری، به این سبب که این تعالیم، با نظم اجتماعی - اقتصادی حاکم نه تنها در تناقض است، بلکه، اساس و شالوده اصلی آن را نفی می‌کند. مالکیت خصوصی را، بهره‌کشی و تصاحب حاصل کار دیگری را، بیگانگی و غیره را رد می‌کند. زیرا این اصول برای موجودیت جامعه بشری و توسعه آن پس از کودتای سال ۱۹۹۱ قابل اجراء و مؤثر شناخته شدند و آنها نیز در شالوده زندگی اجتماعی روسیه امروز قرار گرفته است.

جامعه بازاری، تمدن بازاری و تشکیل طبقه ثروتمند هدف نهایی اعلام گردید. نظریه مارکس رد شد، به جای آن تئوری بازار آزاد مبتنی بر مالکیت خصوصی و سرمایه مالی به مثابه ابزار توسعه پیشنهاد گردید. اما از همه جالبتر این که هیچ سند و مدرک واقعی دال بر برتری این نظریه وجود نداشت و تا کنون نیز وجود ندارد. این فقط تبلیغات و ابزاری بود برای اثبات حق تصرف دارائی‌ها و انتقال ثروت‌های ملی به دستان «مؤثر» بخش خصوصی.

من، به عنوان یک اقتصاددان، حتی هیچ دلیلی برای طبیعی جلوه دادن این نمی‌بینم، که تمامی درآمدهای حاصل از سوداگری اموال ملی به دستان لایه بسیار نازکی می‌رسد که هیچ استعدادی جز واداشتن پول به پول ساختن ندارد. سرمایه، ارزش و معیار اصلی کار اعلام گردید (رباخواری، سودهای به دست آمده از رانت‌خواری، از دستکاری در معاملات ارز و اوراق بهادار). در حال حاضر، زمانی که حاکمیت و سوداگری یک کل واحد را تشکیل می‌دهند، منابع

اداری هم به این‌ها اضافه می‌شوند و در نتیجه نهائی، ما آن را به دست می‌آوریم که داریم -فساد آشکار، رکود اجتماعی-اقتصادی و انبوهی از انگل‌های اجتماعی.

کشور ما در اثر فریبکاری‌های بی‌شرمانه به مرحله سرمایه‌داری دوره مارکس، به آن دوره بازگشت، که شرایط زندگی را اساساً منافع سرمایه، مالکان خودمحور، کمپانی‌های دارای موقعیت ممتاز و مقامات دزد و «شرکای» خارجی آنها تعیین می‌کند. اهرم‌های اقتصادی را اقلیت بسیار کوچکی به دست گرفته که در عین متوقف کردن توسعه از راه صنعت‌زدائی و با اوراق کردن تمامی مکانیزم‌های اقتصادی، دیوانه‌وار برای به دست آوردن حداکثر سود تلاش می‌کند. نخبگان حاکم به منظور ابدی کردن سلطه اقتصادی-سیاسی خود جهان‌بینی میلیون‌ها شهروند را مطابق خواست خود شکل می‌دهند. بر اساس این زمینه را آماده می‌کنند که گویا سوسیالیزم از همان ابتدای خود محکوم به شکست، تئوری مارکس تخیلی و سالهای حاکمیت شوروی، سال‌های از دست رفته برای روسیه بود.

اما من نمی‌توانم با این جعلیات موافق باشم. زیرا، دست‌آورد‌های اتحاد شوروی در تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی، از جمله در عرصه مزایای اجتماعی قابل دسترس برای عموم که بر مبنای اصول بنیادی تئوری مارکس محقق گردید، گواه بارزی برای رد این دروغ‌ها می‌باشند. برای تأیید این کافی است لیست حقوق تضمینی از سوی دولت را که شهروندان اتحاد شوروی برای اولین بار در جهان از آنها بهره‌مند گردیدند، فهرست‌وار برشماریم.

۱- حق هشت ساعت کار روزانه؛

۲- حق مرخصی سالانه با حقوق؛

۳- ممنوعیت اخراج کارگر توسط مدیریت یا کارفرما بدون رضایت اتحادیه مربوطه (از خود اضافه می‌کنم: حتی استعفای داوطلبانه از کار منوط به ارائه رضایت‌نامه از محل کار جدید بود. مترجم)؛

۴- حق کار، به سخن دیگر، حق داشتن درآمد برای تأمین زندگی از طریق کار خود (از خود اضافه می‌کنم: حتی برای تمامی رده‌های معلولان جسمی. مترجم). در ضمن، فارغ‌التحصیلان مدارس فنی-حرفه‌ای (آموزشگاه‌ها)، مؤسسات آموزش متوسطه (هنرستان‌ها) و مراکز آموزش عالی (دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها) از حق مطلق استخدام با توزیع دولتی مشروط به تأمین خوابگاه یا منزل برخوردار بودند؛

۵- حق ایاب‌و‌ذهاب رایگان فردی به محل کار یا آموزش با سند مسافرتی دولتی؛

۶- حق تحصیل عمومی و تخصصی رایگان. همچنین، در هر دو مقطع آموزش حرفه‌ای و عالی؛

۷- حق استفاده رایگان از مراکز نگهداری کودکان زیر سن مدرسه: مهد کودک‌ها، کودکستان‌ها، اردوگاه‌های پیش‌آهنگی؛

۸- حق مراقبت‌های پزشکی رایگان؛

۹- حق استفاده رایگان از آسایشگاه‌ها-تفرجگاه‌های معالجاتی؛

۱۰- حق مسکن رایگان؛

۱۱- حق حمایت از دولت در مقابل خودسری مدیران و مقامات محلی.

حقوق برشمرده فوق، عملاً پس از بازسازی سرمایه‌داری در کشور ملغاً گردید و در حال حاضر حتی در خواب‌های طلائی هم دیده نمی‌شوند. اضافه بر این، اگر در جایی هم مشابه آنها باقی مانده، آنها نیز توسط حاکمیت فعلی باپیگیری و با قاطعیت لغو می‌شوند. به عنوان مثال، تحت بهانه ارتقاء سطح رفاه مردم، مدام از افزایش سن بازنشستگی معین شده در دوره اتحاد شوروی صحبت می‌کنند. ب راستی قابل درک نیست منظور از مردم کیست، اما دقیقاً روشن است که منظور از آن انسان زحمتکش نیست و هیچ تردیدی نیست، که دیر یا زود این پروژه اجراء خواهد شد و همه این‌ها به

این علت روی می‌دهند، که حاکمیت اتحاد شوروی، حاکمیت خلقی ما بود. اما امروز کشور به واسطه عوامفریبان به نمایندگی از حاکمیت سرمایه اداره می‌شود که در انتخابات عمومی سراسر تقلب و در اثر کارزار تبلیغاتی پرخرج برگزیده می‌شوند.

برای رهائی از دهشت سرمایه‌داری، برای خروج از زیر تأثیر تبلیغات فریبکارانه، به‌رماندی از هر دو ایده نوین و سنتی که ماهیت غارتگرانه و ضدبشری سرمایه‌داری را در گذر زمان ثابت نمودند، ضرورت دارد. این واقعیت که حاکمیت کنونی روسیه برای فائق آمدن به وضعیت موجود توان و اراده سیاسی از خود نشان می‌دهد، هر چند به علت فقدان ایدئولوژی آن قابل باور نیست، چیزی نیست جز نسخه‌برداری احمقانه از دگم‌های غربی و تمایل سیری‌ناپذیر برای تبدیل شدن به بخشی از نخبگان غربی. در صورتی که روسیه از تجربه رشد و شکوفائی بدون اتکاء به سرمایه‌بادکرده خارجی در دوره اتحاد شوروی برخوردار است. در اینجا لازم به یادآوری است که، ایده مرکزی مارکس بدون کمترین کاهشی در ضرورت خود، عبارت است از اجتناب‌ناپذیری تغییر جامعه سرمایه‌داری به جامعه کمونیستی. اما به منظور واقعیت بخشیدن به این ایده، باید کار کرد، کار کرد و کار کرد.

نشانی منبع اصلی:

<http://rkpr-rpk.ru/2018/04/06/учение-карла-маркса-актуально-и-сегод/>

۱۵ اردیبهشت - ثور ۱۳۹۷